

گزارش میزگرد درباره زمینه، تئوری و امکانات تئاتر دینی در ایران

دایره‌های محو شده

زهیر توکلی

آیا می‌توان از هنر دینی سخن گفت؟ و قعا چرا باید هنر را با دین پیوند زد؟ این پیوند ثلثی است یا محصول آمال و سیاست‌های اجتماعی؟ اگر هنر دینی قابل تعریف است، هنر غیر دینی از چه جنسی است؟ تفاوت هنر دینی با هنر دولتی یا اپنولوژیک در چیست؟ در حالی این توئیدات در موضوعات محوری‌شان یا در رویکرد هنرمندان؟ آنچه در پی می‌آید گزارشی است از تئاتر دینی، چند از هنرمندان و صاحب‌نظران عرصه تئاتر که به همین موضوع از منظر هنر تئاتر و نمایش می‌پردازند. ناصر الله قادری، عضو هیأت علمی دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران که باز یگری، کارگردانی و نوشتن چند نمایشنامه را در کارنامه خود دارد، چهار هجایی است که اینجا و آنجا درباره هنر دینی و غیر دینی سخن رانده‌است. مسعود دلخواه نیز که در این گزارش به سراغ او رفته‌ایم، سابقه کارگردانی نمایش جویبار سوم و «جویتسنگ» را در کارنامه‌اش دارد و عضو هیأت علمی گروه کارگردانی دانشگاه تربیت مدرس تهران هم هست. محمدعلی خبری از جمله مدیران هری‌ای است که در عرصه بازیگری و کارگردانی تئاتر هم دستی داشته‌است. او فارغ‌التحصیل دکترای پژوهش هنر و عضو گروه پژوهش هنر فرهنگستان هنر است. او مد پیریت همین گروه را در پژوهشکده فرهنگ و هنر دانشگاه جهاد دانشگاهی در عهده‌دار تخصص این چهار هادر حوزه تئاتر و این گزارش را به میزبان نظری و تاریخی نسبت‌دین و هنر تئاتر نزدیک کرده‌است. اما با این حال الگوی از بحث‌ها در کلیت موضوع هنر دینی هم به دست آمده‌است.



در این مقاله به بحث‌هایی پرداخته می‌شود که در این زمینه در ایران نوشته‌ها را می‌تواند به کتاب‌های منتشر شده در این زمینه در ایران نگاه کرد. همچنین به تئاتر و هنر در ایران است که به بحث‌های مربوط به تئاتر و هنر در ایران پرداخته می‌شود. همچنین به تئاتر و هنر در ایران پرداخته می‌شود.

کنود استروس اشاره می‌کند و می‌گوید: هر سه معتقدند که ریشه تئاتر در مذهب است و آنچه‌خور اولیه تئاتر در آیین‌های دینی و موسیقی بوده‌است. به‌طور من ذلت تئاتر یعنی دین و تئاتر غیر دینی نمی‌تواند مقصود چیزی است که با نام تئاتر شناخته می‌شود که با نمایش مترادف نیست. به نظر قادری شاید نکته‌این است که اصلاً باید از اینجا شروع کنیم که آیا تئاتر غیر دینی داریم یا نه.

محمدعلی خبری، از مدیران فرهنگی کشور و فعالان حوزه تئاتر، از منظری دیگر به این مسأله می‌پردازد. او می‌گوید: «چنینا باید درباره دین و رویکردی که هنرمندان به دین داشته‌اند بحث کرد. دین، عناصر، ظرفیت‌ها و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌کند. خبری، عرصه‌ها از رویکردهای ایرانی تئاتر به دین را برمی‌شمارد تا به تعبیر خودش، معلوم شود امروزه وقتی می‌خواهیم راجع به نظریات متفاوت راجع به تئاتر و دین گفت‌وگو کنیم، به کدام دسته مربوط می‌شود. به عقیده‌این کارگردان تئاتر، تنوع رویکرد به موضوعات دینی وجود دارد. هم‌زمانی هست که هنرمندان می‌خواهند کار دینی انجام دهند، اما نه با زبان

○ چرا از هنر دینی حرف می‌زنیم؟

آیا بحث از هنر دینی، محلی از اقبال دارد یا بنا بر یک استاندارد بورژوازیستیک به آن ذهن زده می‌شود؟ مسعود دلخواه، عضو هیأت علمی گروه کارگردانی دانشگاه تربیت مدرس و کارگردان تئاتر، می‌گوید: «بحث هنر دینی در سال‌های اخیر از زبان بسیاری را به خود مشغول کرده‌است و از آنجا که برداشت‌ها از دین می‌تواند متفاوت باشد، برداشت‌ها از هنر دینی هم متفاوت می‌شود. آیا اساساً تعبیر هنر دینی در خارج از ایران هم استفاده می‌شود یا نه؟ متأسفانه خیلی‌ها عجله فقط با چسبیدن این عنوان به خیلی از سمپلرها و پوست‌رها وارد حوزهای شده‌ایم که تعریف مشخصی از آن نداریم.»

ناصر الله قادری، عضو هیأت علمی دانشکده سینما تئاتر دانشگاه تئاتر هم معتقد است «این روزها مد شده‌است که هر چیزی را که می‌خواهند دینی‌اش کنند یک پیوند دینی به آن اضافه می‌کنند و مثلاً می‌گویند هنر دینی». قادری به نظر به‌های مردم‌شناسانه‌ای چون نظریه انتقایی سرچین استریتتر، کارکردگرایی برائیسلا و مالتینوفسکی و ساختارگرایی



هر سال نهاد‌های ریز و درشتی سمینارها هستند و سنسکده سخنرانی‌های متعددی در آن‌ها با موضوع هنر و هنری برگزار می‌کنند اما هر بیشتر این برنامه‌ها مصغر همان محدودی حضور دارند و اگر بتوانیم نام نهادترین نهاد در این زمینه را ذکر کنیم قطعاً باید بگوییم که محور هنری سازمان تبلیغات اسلامی، فعال‌ترین نهاد در زمینه برگزاری برنامه‌های علمی و موضوع هنر می‌باشد. رئیس این نهاد که از سوی مقام معظم رهبری تعیین می‌شود پیش از این محمدعلی زومرودو در حال حاضر حسن پنهان‌پاشا است.

بپذیریم که هنر مندی خواهد و وسطه فیض شود نباید در حد فاصل مبدأ و مخاطب خودش، او تباطلی دقلم داشته باشد یعنی باید دقلم در رفت و آمد باشد. نضرت قادری اما بر خلاف خبری معتقد است که نمی‌توان تئاتر را دینی کرد چون تئاتر از اساس دینی است. قلتری تأکید می‌کند «وقتی این سوال را مطرح می‌کنیم که تئاتر دینی چیست، در واقع ماهیت دینی بودن تئاتر را نمی‌فهمیم. تئاتر خود دین است چون دین به مفهوم عام یعنی رجعت انسان به خویش است و اگر به خودشناسی برسد، به خداشناسی می‌رسد. همه ادیان، دین را به این مفهوم قبول دارند که برگردیم به آن منزل اولیه‌ای که از آن هبوط کردیم. تمام تئاتر هم یعنی همین یعنی خودشناسی انسان، همان مفهوم بسیار پیچیده‌ای که توسط تحت عنوان کاتارسیس مطرح می‌کند و خودش هم به آن پاسخ نمی‌دهد. ذات تئاتر، دین است و هر آنچه از دین شخصی کنده صنعت است و دیگر هنر نیست. نظریه‌های غالب پیدایی تئاتر، همگی می‌گویند تئاتر در منحصر ریشه دارد.»

قادری منظورش را روشن‌تر بیان می‌کند: «هنر به آشخور اولیه برمی‌گردد. اولاً تئاتر، هنر ایران نیست و با نمایش هم فرق دارد و نهایتاً دینی است و مانعی توانیم دینی‌اش کنیم. ما متوله‌ای داریم به نام «نظم» که قبل از آمدن است. اگر عرض بدانید، می‌توانید هر وقت اراده کردید نظم بگویید اما «شاعر» هر وقت اراده کند نمی‌تواند شعر بگوید بلکه امری است که از بالا به او الهام می‌شود و او در خلق شعر، کاره‌ای نیست.» عضو هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر می‌افزاید: «از طرف دیگر باید ببینیم اصلاً هنر از چه زمانی آغاز می‌شود. ارسطو می‌گوید هنر مسأله‌ای است با تقلید به اضافه تخیل. اولین کسی که قبل از ارسطو در برابر این دیدگاه استناد و هر مندان را از جامعه آن زمان به دلیل همین دینی بودنشان بیرون کرد، جناب قلاطون است.» به لاجن قادری، قلاطون مفهوم تخیل را تحت عنوان «هدایان تخیلی» مطرح می‌کند. «به اعتقاد قلاطون، شاعر در حالتی شعر می‌گوید که اگر در حالت عادی او بخواهی همان حرف را بزند نمی‌تواند توضیح دهد که چه گفته است چون الهام بوده است. تئاتر یعنی فن و تکنیک به اضافه کشف و شهود که جناز هم نیست.»

دین آشنا هستند نه یا زبان هنر، بلکه بر اساس انگیزه دینی عمل می‌کنند.» از دید خبری، چندسالی هست که در حوزه تئاتر با این آثار مواجه هستیم. «دومین دسته کسانی هستند که می‌خواهند تئاتر دینی استفاده اقتصادی کنند پایه دنبال مطرح شدن هستند.» خبری بلور دارد که این دسته دوم یعنی به سهولت استفاده از دین در تئاتر مشغول هستند. «دومین رویکرد این است که ساختاری به اثر هنری می‌دهند که با زبان دین منطبق است و برآمده از سیرت و روایات دینی نیست. بلکه ساختار بر زبان دین می‌چربد چهارمین دسته کسانی هستند که زیبایی شناسی هنر را خوب می‌شناسند اما خبری خطر نشان می‌کند که این زیبایی شناسی هنر، برآمده از زیبایی شناسی دین نیست.» «چون جمیع گروه کسانی هستند که خودشان نگاه‌های متفاوت هستی شناسی به پدیده‌ها دارند و در قبل دین و متون دینی، همان رویکردی را دارند که به دیگر متون دارند. فرقش برایشان ندارد که مشروع کار است. پونانی باشد یا دستمایه‌های تاریخی، مضامین دینی یا قرآن.» این پژوهشگر حوزه تئاتر، تأکید می‌کند «چنین افرادی بزرگ‌ترین مشکل‌ها را در حوزه دین درست کرده‌اند زیرا نگاه خودشان را بر نگاه دین و قرآن ترجیح می‌دهند. در واقع دین دستمایه آثارشان است و بیشتر هم به مشابلهات توجه دارند.»

در کنار این شعله که به اعتقاد خبری بیش از پاینده ضرر داشته‌اند نگاه دیگری وجود دارد که مطلقاً آن هنر مند سعی می‌کنند ارزش‌های حاکم بر گفتار الهی و گفتار دینی را دستمایه هنرش قرار دهد. در هنر اسلامی، هنر مند سعی می‌کند وسطه فیض شود چرا که می‌گوید من یا لاتر از کلام دین و کلام الهی حرفی ندارم. هنر مند کسی است که به پدیده‌ها ارزش افزوده می‌دهد. خبری مثال می‌زند: «کیوتو همان کیوتو است و آسمان نیز همان آسمان است اما حافظ می‌گوید در هوا چند معلق زنی و جلوه کسی لای کیوتو نگران باش که شاعرین آمده.»

از خبری می‌پرسیم: «آیا می‌توان هنر مند را وسطه فیض دانست؟» و این کارگردان تئاتر که اخیراً او در جشنواره تئاتر فجر، نمایش «طوبی» را به صحنه برده بود، پاسخ می‌دهد: «اگر



پرونده: شرحی از مورخان معتقدند که اولین متفکران یهودی و مسیحی در یونان باستان بوده‌اند. در میان هنرمندان کهن یونان آثار هنری با مضامین اخلاقی و فلسفی در سده‌های پنجم و ششم پیش از میلاد وجود دارد. در این دوره، هنر و فلسفه در یونان باستان به یکدیگر پیوسته بودند. آثار هنری در این دوره، اغلب به پرده‌های جسد و کلاه‌های گوناگون اشاره داشتند. آثار هنری در این دوره، اغلب به پرده‌های جسد و کلاه‌های گوناگون اشاره داشتند.



اصلاً تناظر چیست؟ بحث در این زمینه ما را به پرسش بنیانی تری سوق می‌دهد و آن هم اینکه «اسلامگر تناظر چگونه و از کجا پدید آمده است؟» قدری با اشاره به خصایل فرهنگی در این باره می‌گوییم. همان‌طور که ما فرهنگ اسلامی و فرهنگ نیم‌موسی در فرهنگ تناظر اما فرهنگ توگوس است. فرهنگ دیالوگ‌گراست البته در ذات دین ما پرسشگری وجود دارد. شما نمی‌توانید به خدا بگویید چون پدرم مسلمان بوده، من مسلمانم. در اصول دین ما حق تقلید نداریم باید تحقیق کنیم و از آن به بعد تبعیت‌ناات تناظر هم پرسشگری است. محمد علی خیری در باره وجه آیینی تناظر می‌گوید: «اگر بخواهیم مراسم آیینی را مبدأ بگیریم، بی‌شک در فرهنگ‌های متفاوت مراسم آیینی وجود دارد پس باید این فرهنگ‌ها هم دارای تناظر باشند. اگر مقصود این باشد که تناظر در یونان برخاسته از مراسم آیینی بوده است در بیشتر فرهنگ‌ها آیین وجود دارد آیا می‌توانیم بگوییم مراسم دیونیزوسی هنر تناظر است؟»

به اعتقاد خیری، چنین موضعی در باره ریشه تناظر، فقط ریشه شکلی قضیه را می‌پندد. از قدری می‌پرسیم چرا در جور آیین‌های کشورهای دیگر تناظر شکل نگرفته است. آیا این موضوع به یونان محدود است؟ از دیدوی «هنر» در این است که خنایان یونانی متفاوتند و به همین علت ایران نمی‌تواند صاحب تناظر شود چرا که صاحب مذهب توحیدی است. وقتی تناظر در یونان به وجود می‌آید انسان می‌تواند مستقیم روی روی نمایانند بایستند. در فرهنگ اسلامی انسان می‌گوید تا عهد که الضعیف الحقیر است. تکبیر المستکبرین و پرسش نمی‌کنند به ابدان رسیده است که چنین کلری را می‌کند.

مسعود دلخواه در باره ریشه تناظر معتقد است «هنروری غالبی که بیشتر هنرمندان تناظر آن را پذیرفته‌اند، این است که ریشه تناظر به آیین‌های مذهبی می‌رسد البته وقتی می‌گوییم مذهب منظورمان هیچ‌یک از ادیان موجود نیست بلکه همان طور که در آفریقایی‌ها آیین‌های نمایشی وجود دارد آن موقع هم آیین‌های نمایشی که تحت یک‌بلاور مشترک نسبت به محور یا نقطه‌ای بوده، کم‌کم به نمایش تبدیل می‌شود. کم‌کم آیین‌های نمایش‌نامه تبدیل شده و مسال‌های تناظر ساخته می‌شود و بزرگ‌گویی که می‌شناسیم نمایش‌نامه‌هایی بر اساس اسطوره‌های مردم می‌نویسند و به تدریج تناظر در آنجا تحقق پیدا می‌کند.»

همان‌طور که خیری، هر ریشه اصلی تناظر، یک جریان جدید فکری است که نگرش هستی‌شناسانه جدیدی دارد و در یونان باستان به وجود می‌آید. این نوع هستی‌شناسی وقتی می‌خواهد دریافت‌های خودش را به عنوان آثار هنری از آنجا بدهد از آیین‌ها و کارکرد آنها استفاده می‌کند و این تحول آنرا از آیین‌ها باعث شکل‌گیری هنر تناظر می‌شود.

قدری - کارگردان و بازیگر نمایش «حقایق» - البته خاطر نشان می‌کند: «مقصود من از دین، ذات آن نیست بلکه دینی است که بر فضای جامعه حاکم است. در ادیان پس از یونان، خدا خلقت الهی‌ای پیدا می‌کند و با ذات دین فاصله می‌گیرد.»

اما شاید بسیاری بپرسند که آیا هنر منطقی که در طول تاریخ آثار هنری خلق کرده‌اند و قابلیت‌های خودشان را نشان داده‌اند، یا دین حاکم رویار و نبوده‌اند؟ مثلاً خیری در میان حرف‌هایش می‌پرسد: «پس چرا حضرت مسیح در آن جامعه دینی ظهور کرد؟ اگر یونانی‌ها تناظر فلسفی داشتند، مسلمان به کدام دوره فروغ‌نیده بود که خدا حضرت مسیح را مبعوث کرد؟» نظری نظرش این است که «در همان تاریخ، خدا خلقتی الهی‌ای دارد. در کتاب مقدس آمده که حضرت یعقوب یک شب، تاصیخ با خدا گفتی می‌گیرد اینکه مال

فرهنگ یونان نیست. از کتاب مقدس است. آیا این ذات دین حضرت موسی بوده یا دین روحانیون یهود است که آورده‌اند؟ این دین حاکم است. آیا در ذات دین مسیح گفته می‌شود که مسیح پسر خداست؟ دین حاکم و نه ذات دین، جلوی تناظر را می‌گیرد. مساله اصلی این است که ذات تناظر دین است. به این دلیل در دوران قرون وسطی، دوره حاکمیت کشیش‌ها روح هنر منداکشی است چون کشیش نمی‌تواند دیالوگ را برپا کند.»

مسرتاجام هنر دینی داریم یا نه؟ دلخواه باور دارد که «تناظر دینی وجود دارد. چه بپذیریم و چه نپذیریم. تناظر و دین هر دو یک، خلأ روحی انسان را پر می‌کنند. در یونان باستان، مسابقات ورزشی برای ورزش‌شدن جسم انسان انجام می‌گرفت و در کنارش، تناظر برای پرورش روح انسان برگزار می‌شد. یک واقعیت تاریخی هم وجود دارد که در قرون وسطی با وجود کشتی که از مذهب سوء استفاده می‌کردند و به طور کلی با دانش و هنر مخالفت داشتند، دوباره هنر از داخل کلیساها شروع شد. رابطه دین و هنر چیزی نیست که بتوان تفکیکش کرد. بستگی به این دارد که تعریف ما از دین چه باشد. دلخواه همچنین معتقد است: «هنر با موضوع مشخص دینی می‌تواند وجود داشته باشد. مثلاً اگر نمایان‌نامه‌ای در مورد حضرت رضا می‌نویسند، این یک نمایان‌نامه با موضوع مذهبی است.» این کارگردان تناظر، اگر هسته‌ای دیگر از تناظر نام می‌برد و می‌گوید «هنر کنار آیین» همچنین هنر تبلیغی و پروپاگاندای هنری که در خدمت یک ایدئولوژی مشخص است. مثلاً در زمان استالین، پرتره‌های سوسیالیستی کاملاً در خدمت تبلیغ ایدئولوژی‌ای بود که استالین می‌خواست پایه‌گذاری کند. دین استالین هم برداشت او از مارکسیسم بود البته یک نوع دیگر از هنر هم داریم با عنوان هنر قدسی که هدف مقدسی دارد و در راه تعالی انسان قدم برمی‌دارد تا انسان از طریق آن به آرامش معنوی برسد.»

قدری معتقد است: «چه پیش و چه پس از انقلاب، زمینه تناظر دینی به‌طور گسترده‌ای وجود دارد. هم در متن و هم در اجرا.» و این حال او می‌گوید: «البته روی آن کار تنور یک تشنه است. من باور دارم که تناظر دینی در ایران شکل گرفته و قدرتمند است. باور به تناظر دینی به معنای مذهب شریعه جعفری وجود دارد اما به دلیل ناآشنایی یا تکنیک و نیز اینکه هنرمندان ما جشنواره پست‌نند و برای جایزه گرفتن و خیلی سطحی کار می‌کنند. هنوز تناظر دینی به مفهوم اخص آن شکل نگرفته است.» او با اشاره به تفکیک ایدئولوژی از دین می‌گوید: «هنر کلیدی، فرق هنر و صنعت است. به محض اینکه گفتیم هنر از آن است، آن را از مرتب‌های ساقط کرده‌ایم. اینجاست که باید بین هنر ایدئولوژیک و دینی فرق گذاشت. دین ایدئولوژی نیست. دین عقیده است. ایدئولوژی، جزمیت دارد. جزمیت یعنی تو مجبور به عمل به آن هستی و راضی جز این نداری اما عقیده، طلب‌دنی است.» و پسند و کارگردان نمایش «فلسفه لیلیت» ادامه می‌دهد: «اگر یک اثر هنری از فلسفه شکل استفاده می‌کند تا فلسفیم را توجیه کند و در خدمت هیئت قرار می‌گیرد، این دیگر نه فلسفه هنری است و نه هنر. این دین هنری است. همان طور که در سروده‌های مارکسیست‌ها استالین جای خداوند شسته است. اگر هنر به اینجا برسد، نفس‌گیت است. در دین هم اگر قرار باشد که مناسک و عبادات ما را به جای خدا، به نفس‌گیت برساند، دین نیست. در هنر هم اگر به این حالت برسیم، هنر نیست. اگر این نظریه را بپذیریم باید دید که به خصوص برای تناظر چه اتفاقی افتاده که مردم و مذهب‌یونان هنر متعلق تناظر را با عنوان مطرب می‌شناسند.»

نصرالله قادری: نمی توان تئاتر را دینی کرد؛ چون تئاتر از اساس دینی است. وقتی این سوال را مطرح می کنیم که تئاتر دینی چیست، ماهیت دینی بودن تئاتر را نفی کرده ایم. تئاتر خود دین است؛ چون دین یعنی رجعت انسان به خویش و تئاتر هم یعنی همین

خبری البته با اشاره به ذات دین در این باره می گوید: وقتی درباره دین صحبت می کنیم، مقصودمان ذات دین است. سوال این است که ذات دین در همه فرهنگ ها وجود دارد یا اگر فرآوردهایی که به عنوان آثار هنری تولید می شود انسان را به آن ذات نزدیک می کند، تنها نمی تواند به یک فرهنگ محدود باشد. چطور می شود بگوییم که این ما را به ذات دین رهنمون نمی کند. هنر تئاتر ما را به ذات انسانیت و ذات دین هدایت می کند.

هنر غیر دینی، به چه معنا؟ دلخواه معتقد است، به نظر من برای اینکه در موضوع هنر دینی یا تئاتر دینی به تعریفی برسیم، باید از اینجا شروع کنیم که هر هنری که ضد دین نیست قطعاً دینی است. اگر با یک روش ملی پیش برویم، هر چه باقی بماند دینی است. به نظر من هر هنری که ضد دین باشد، دینی نیست؛ یعنی اگر یک تپلوی نقلی، موسیقی، شعر، مجسمه یا نمایشنامه ضد دین باشد، آن دینی نیست. کل گرگان تئاتر «هویتک» دانه می دهد. اگر ما هنر دینی را محدود کنیم، در واقع دین را خیلی محدود کرده ایم؛ چرا که هر آنچه خدا آفریده است نمی تواند دینی نباشد. آیا طبیعت دینی نیست؟ مسیحیت در ابتدا رابطه چندان خوبی با طبیعت نداشته در طبیعت چیزهایی کشف می شد که می گفتند در آنجیل نیامده است. گالیه هم مدت ها پیش به این رسیده بود که مگر آنجیل آفریده خدا نیست و مگر طبیعت آفریده خدا نیست. پس آنچه آفریده که هر دو آفریده خدا هستند نمی توانند در تضاد با یکدیگر باشند. دلخواه تاکید می کند: اگر دین را یک امر فطری بدانیم و هنر را هم همین طور، نمی توانند با هم تناقض داشته باشند.

قادری هم می گوید: «دین نوعی رویکرد انسان به هستی است؛ یعنی دین هستی را از بیهودگی یوچی نجات می دهد. از آن طرف، رویکرد هنر هم همین است که پدیده ها را از بی احساس بودن در هستی نجات می دهد. اما رویکرد ما به مسائل دینی چگونه است؟ ما می خواهیم دین را ابزار در نظر بگیریم یا هنر را عقیده شخصی من این است که حتی اگر دین را ابزار تصور کنیم، ابزاری است که یک اندیشه پشت سر آن بوده و با هر ابزاری هر کاری نمی توان انجام داد. حتی استفاده از دین به عنوان ابزار هم وقتی ممکن است که بتواند ما را به تعالی برساند و در این زمینه ما مشترکات بسیار زیادی داریم. اما آیا چنین نگاهی خودش ایندوتولوژیک نیست؟ اگر هنر ذاتاً قدمی است پس تکلیف تولیدات هنری لاتیپ و ضد دینی چیست؟

قادری که در کارنامه اش کارگردانی فیلم اکران شده «شیخ اشراق» هم ثبت شده است، پاسخ می دهد: «آن آثار هنری از دیدگاه اسلام ملحدانه هستند مثلاً آنلری که در ستایش تفکر مارکسیسم بوده، از دید همه ادیان الهی محکوم است». او به تعریفی از هنر اشاره می کند که در ایران ارائه می شود و ادامه می دهد: «همه تعریفی که ارائه می شود - چه تعریفی که سیاسیون می دهند، چه هنرمندان - مشابه تعریف مارکس است، نه تعریف غربی مارکس هنر را واحد وسیله فرومی کاغد غربی هادر تعریف هر می گویند فعالیت بی شایسته است. هنر را به محض اینکه به مرتبه ابزار و وسیله تقلیل دهیم، دیگر هنر نیست. این تفکر از دهه ۴۰ یعنی با تسلط حزب توده بر هنر ایران آغاز شد.

خبری که عضو شورای پژوهش هنر فرهنگستان هنر هم هست، می گوید: «از زمانی که پارویکردی اجتماعی و هنری به غرب توجه کردیم، این امر مانع از آن شده است که ما به حکما و نقلی به برداری های خودمان رجوع کنیم و آنها را به زمان امروز برگردانیم. عقیده من

این است که ما نباید در باره هنر دینی حکم قطعی صادر کنیم؛ ما باید طرح بحث کنیم و این بحث ها ادامه یابند تا مخاطبان مسؤولان و هنرمندان ما به تریقتی برسند که تولیداتشان در جهت همان تعاریف نتیجه بدهند. اگر حکمی قطعی بدهیم، همان تفکر ایندوتولوژیک را دنبال کرده ایم.»

قادری هم درباره ضعف نظرات بومی راجع به هنر معتقد است: «در ایران البته آ معضل اساسی داریم؛ اول اینکه بحث تئوریک نداریم. این سینا وقتی ارسطو را به فارسی ترجمه می کند، زمانی که به موضوع ترازوی می رسد، از مرد عظیمی مثل ارسطو حیرت می کند که چرا به چنین حرجیاتی پرداخته است. فلاسفه ما دون شأن خودشان می دانند که نظریه هنری بدهند، ما نظریه پردازان نداریم. فلاسفه غرب راجع به هنر و تئاتر تئوری مشخصی دارند و هیچ هنرمندی در جهان نیست که پشتوانه فلسفی نداشته باشد. اما ما هنوز پشتوانه نداریم.»

قادری ادامه می دهد: «شک دیگر این است که در دوره های در ایران یک تفکر خاصی در هنر حاکم شده بود و هر کسی این تفکر را قبول نداشت می گفتند که هنر مند نیست. وقتی حزب توده در ایران حاکم می شود، هر کسی که به مارکسیسم وابسته نباشد هنر مند نیست. جلال آل احمد تا وقتی که وابسته به آن حزب است، تاج سر است. اما وقتی از حزب بیرون می آید، می بینیم که رادیو مسکو چه پلاهی سرش می آورد. در مراسم شب های شعر مستی گوته، تر اوایل انقلاب و در اوج ادعای دموکراسی، وقتی علی موسوی گرمارودی رفت شعر بخواند، شعری مدعی از آنجا خارج شد؛ حتی طاققت شنیدن اثر هنر مند مسلم را و انداختند. مشکل از اینجا شروع شد که آنها تعریفی از هنر دارند که متأسفانه هنوز حاکم است و گفتند تئاتر متعلق به خواص روسیله ای ضد حکومتی است. این تفکر ایجاد شد که تئاتر هنر خواص است. پس با مردم ارتباط ندارد.»

قادری می افزاید: «گر هدف از مطرح کردن هنر دینی در هر رشته ای این باشد که هنر مند محدود شود یا هدف تبلیغ ایندوتولوژی خاصی باشد، همان طور که تاریخ نشان داده است، نتیجه نخواهد داد. اما اگر هدف این باشد که تمام کسانی که هدف مقدسی را دنبال می کنند، بیشتر به پاورهای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی خودشان بپردازند - بدون اینکه محدودیت خاصی برای خلاقیتشان بگذاریم - این بحث می تواند به طور جدی ادامه پیدا کند؛ چرا که نباید آزادی خلاقیت هنر مند را به هیچ بهانه ای از او گرفت. مگر اینکه هدف بدی را دنبال کند.»

هنر مند ممکن است چه هدف های بدی را دنبال کند؟ خبری که کارگردانی نمایش «مدعا» را بر عهده داشته است، می گوید: مقصود آناری است که ضد دینی انداز به سخنی از امام خمینی اشاره می کند: «منم د» می گویند تئاتری هنر است که بتواند نگاره پلورنگان را بر صحنه ظاهر بکند؛ یعنی اگر غیر از این باشد، هر سیستم خبری که رئیس شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، اضافه می کند: «خداوند خالق زیبایی هست و از خالق زیبایی ما زشتی زاییده نمی شود. این منم که به این پدیده زشتی می دهیم و اگر نهد، خلق موجودات که همه تسبیح گو هستند، نقلی میان بیرونه و موسک وجود ندارد. از این زاویه است که می شود به این پرسش که چه چیزی هنر دینی نیست. پاسخ داد که درباره ویژگی های اساسی صحبت می کنیم. می گویند ویژگی هلی که ما را به کمال نزدیک می کند هنر دینی و جز آن، هنر غیر دینی است.»

چشمپوش جین المللی تئاتر رضوی که تاکنون ۱۲ دوره آن برگزار شده، جزو مراکز فعالیت دولت برای ترویج تئاتر دینی در کشور است. این جشنواره پذیرای آثار نمایشی است که موضوع دینی داشته باشد. میزان هزینه ای که صرف ادعای جوایز آن می شود، گران ترین جوایز را به هنر مندین برگزیده ها می کند. اما همواره هنر مندین ویرانی از مدبران فرهنگی پس از پایان هر دوره به نفع نهادی جوایز و شکل برگزاری آن انتخاب می کنند.